

سیاست‌گذاری پولی صلاحیددی Discretionary Monetary Policy

سیاست صلاحیددی یک تصمیم بهینه است که در شرایط کنونی اتخاذ می‌شود و در همان دوره، اجرا و ارزیابی می‌شود (Kyddland, & Prescott, 1977:473). به‌طور مثال، اگر مقام پولی در یک سال مشخص تصمیم به اعمال کاهش ۳ درصدی بهره بانکی بگیرد و در همان سال نیز اقدام کند، این سیاست یک سیاست صلاحیددی است. این سیاست در تضاد با سیاست قاعده‌مند است. زیرا در سیاست قاعده‌مند، سیاست‌گذار همان کاهش ۳ درصدی نرخ بهره را که در سال مشخص اعلام می‌کند، برای دوره‌های زمانی آتی اجرا می‌کند و تنها در آن سال مشخص سیاست آتی خود را اعلام می‌کند. افق زمانی اجرای یک سیاست صلاحیددی در مقایسه با سیاست قاعده‌مند کوتاه‌تر است. در یک سیاست صلاحیددی، امکان غافلگیری بنگاه‌های اقتصادی در مقایسه با سیاست قاعده‌مند بیشتر است و مقام پولی می‌تواند پول بیشتر و به تبع آن تورمی بیشتر از آنچه افراد انتظار دارند اعمال کند (Barro, & Gordon, 1983a:101).

لذا، در شرایطی که کاهش بیکاری به افزایش تورم از طریق کانال اعمال تورم غافلگیر ترجیح داده شود، سیاست صلاحیددی بر قاعده برتری دارد. طرفداران سیاست صلاحیددی سیاست‌های قاعده‌مند را غیرقابل انعطاف دانسته و در شرایطی که اقتصاد با تکان‌های متعدد روبه‌رو باشد، اعمال سیاست قاعده‌مند را مؤثر نمی‌دانند. در مقابل، طرفداران سیاست‌های قاعده‌مند سیاست‌های صلاحیددی را دلیل بروز ناسازگازی زمانی در اقتصاد و استمرار در پدیده رکود تورمی و بی‌تعادلی‌های اقتصاد کلان و شکست در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت اقتصادی می‌دانند. با مطالعات بروا و گوردن^۲ (۱۹۸۳a و ۱۹۸۳b) راه معرفی روش‌هایی برای ارائه شرایط برتری یک سیاست صلاحیدد بر سیاست‌های

قاعده‌مند ارائه شد. در این مطالعات، منافع و زیان اجتماعی ناشی از به‌کارگیری سیاست‌های تورم‌زا در قالب تابع زیان اجتماعی ترسیم و براساس مقدار تورم بهینه، سیاست پولی که باعث زیان اجتماعی کمتری شود به‌عنوان سیاست بهینه پولی معرفی می‌شود.

کتاب‌شناسی

- Barro, R. J & Gordon, B. (1983a). «Rules, Discretion and Reputation in a Model of Monetary Policy», *Monetary Economics*. 12.101-121.
- Barro, R. J & Gordon, B. (1983b). «A Positive Theory of Monetary Policy in a Natural –Rate Model», *Journal of Political economy*. 91(4). 859-610.
- Kyddland, f. & Prescott, C.E. (1977). «Rules Rather Than Discretion, The Inconsistency of Optimal Plans», *Political Economy*. 85(3). 473-92

ایمان باستانی‌فر

هیئت علمی دانشگاه اصفهان

¹Barro

² Gordon